



تیتروهای امروز

گزارش «وطن امروز» از افزایش قیمت کالاها در یک ماه اخیر

دولت نمی‌پذیرد

در یک ماه اخیر نرخ کالاهایی چون قند و شکر، روغن، لبنیات و نوشیدنی‌های گازدار تا ۱۰ درصد افزایش یافت

صفحه ۳

روایت جدید از دلارهای بلوکه‌شده ایران که شاید آزاد شود

پول بلوکه شده به درد بخور؛ تقریباً هیچ!

صفحه ۱۶

تک‌ذبح خبر حسین فریدون مبینی بر تذکر روحانی به وزیر صنعت

نعمت زاده: تذکر نگرفته‌ام!

صفحه ۲

اوباما، متجاوزان را «شهید» خواند!

صفحه ۱۵

تظاهرات ضد جنگ خانواده‌های عربستانی مقابل وزارت دفاع سعودی

ارتش یمن: ریاض و جده را می‌زنیم

صفحه ۱۵

روزنه

آیا غول اینترنت ما را خواهد بلعید؟!

دکتر سیدبویان حسین‌پور

ابتدا سرخط خبرها: وزیر ارشد گفت: فعالیت ۱۰۵ میلیون سیمکارت در کشور... فرمادنی تنظیمی کشور خیر داد: وجود حداقل ۴۵ میلیون کاربر اینترنت در کشور... نتایج یک پژوهش علمی نشان داد: یک سوم جمعیت کشور در گروه سنی بین ۷ تا ۴۰ سال، بازی‌های رایانه‌ای انجام می‌دهند... تحقیقات و پژوهش‌ها با ما سخن می‌گویند: از هر ۴ دانشجوی ایرانی، ۳ نفر گوشی تلفن همراه خود را به رختخواب می‌برند... ۴۱ درصد دانشجویان، بخش زیادی از زمان حضور خود را در سرویس بهداشتی به کار با تلفن همراه می‌گذرانند... در تحقیقات به‌عمل‌آمده در اسفند ۸۶ بالاترین میزان جست‌وجوهای اینترنتی در ایران، به کلمات و تعبیر مربوط به مسائل جنسی و غیراخلاقی اختصاص داشته است... از میان بیش از ۴ میلیون ارجاع به تازمانی فیلترینگ در روز، بالغ بر ۳ میلیون ارجاع، متعلق به صفحات هززدنگاری جنسی است... «خواب ترسی»، «رفتر خشونت‌آمیز» و «عکس‌العمل‌های قانون‌شکنانه» از مهم‌ترین آسیب‌های موجود آمده در گیم‌های زیر ۱۵ سال است... و... و حالا یک سوال کلیشه‌ای؟! به کجا می‌رویم؟! قرار بود تکنولوژی‌های ارتباطی و رسانه‌ای، محملی برای بهبود سطح زندگی باشد و گذران عمر را برای‌مان راحت‌تر کند. قرار بود این ابزارهای فناورانه، ما را به سمت ارتباط بیشتر با هم سوق دهد و تلوری باشد بر این گزاره: «انسان موجودی است اجتماعی و نیازهای خود را در بستری موجودیت اجتماعی تأمین می‌کند». اما آیا به‌راستی چنین شده است؟! واقعیت تلخی است اما باید پذیرفت امروز، رسانه‌ها (اعم از سنتی و مدرن) از هر سو محاصره‌مان کرده‌اند. تمام لحظات خواب و بیداری ما را به خود مشغول ساخته و در حصار پی‌نهن، اسیرمان کرده‌اند. صبح که از خواب چشم باز می‌کنیم تا شب‌بانگام، در بند زندانی خودخواسته قرار داریم، به بهانه بهره‌گیری از ظرفیت‌های تکنولوژی‌های ارتباطی، روز به روز از هم دورتر شده‌ایم و زندگی‌مان را تحت سیطره مدیریت محض و مطلق فناوری‌های دیجیتال قرار داده‌ایم. ادامه در صفحه ۵

نگاه امروز

مرحمانه وزارت خارجه آمریکا که در پایگاه ویکی‌لیکس افشا شده، پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۸۸، گروه‌های مختلفی از کارشناسان ترک، اوکراینی، دانمارکی و یونانی با ارتباط‌گیری با یکی از مراکز استراتژیک نظام با واسطه‌گری آمریکایی‌ها به ایران سفر کردند و کارگاه‌هایی با هدف «کمک انتخاباتی» به یکی از جناح‌های مهم پشت‌پرده فتنه، برگزار کردند. در همین کارگاه‌ها بود که اولین بار کلیدواژه‌هایی همچون «انتخابات آزاد» و «لزوم نظارت بین‌المللی بر انتخابات» در خصوصی‌ترین مرکز تحقیقاتی نظام توسط بدسابقه‌ترین افسران اطلاعاتی دوجانبه مطرح شد. براساس اطلاعات سند 0818ANBUL245a، تبادلات بولنت ارس و مرکز مذکور از سال ۸۶ آغاز شد و در ذیل این تبادلات چند متخصص در امر انتخابات، از اروپا و ترکیه به منظور ارائه راهکارهایی برای آنچه «کمک به موفقیت پراگماتیست‌های حامی مر» در انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات ریاست‌جمهوری ۸۸ خوانده شد، به ایران سفر کردند. واسطه آمریکایی تأکید دارد این کارگاه‌ها به منظور کمک رساندن به ایرانیان پراگماتیست طیف مر، برای جلب «نظارت بین‌المللی بر نحوه برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری» در ایران برگزار شده است. اما اهم پیشنهادات واسطه‌های دشمن به متحدان ایرانی خود چه بود: الف- سرمایه‌گذاری بر رای اقلیت‌ها و اقوام ب- تمرکز بر سبید رای زنان و غربگرایان دموکراسی خواه ج- شوک‌درمانی با هدف ایجاد موج هیجانی انتخاباتی د- تمرکز بر سیاست چندحزبی با هدف جلب سلایق اقلیت‌ها

عسل هدایت: براساس اسناد

تاریخ گواهی می‌دهد بخشی از این هدف‌گذاری‌ها در بزنگاه‌های انتخاباتی سال‌های اخیر با شبکه‌سازی همین طیف با هدایت و حمایت دشمنان نظام جمهوری اسلامی محقق شده است اما بخش‌هایی از اهداف «پروژه نفوذ» به روش «هندسی اجتماعی» جامعه ایران ذیل سرفصل «گذار به دموکراسی آمریکایی» پس از موفقیت انتخاباتی در دستور کار قرار گرفته است. به طور مثال تمرکز بر حوزه «زنان» و «تحریک مضاعف پتانسیل اقلیت‌های مذهبی» یکی از این موارد مهم است که چرخه آن با حمایت ویژه تاکتیکی غرب هم‌اکنون در ایران در حال تکمیل است. پروسه جذب رای زنان و به کل زنانه شدن انتخابات در کشورهای هدف در پروژه نفوذ، در سرتیتر «توانمندسازی زنان» است. سال گذشته اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان در حاشیه

رونمایی از نقشه انتخاباتی غربگرایان

پرده اول: توانمندسازی لیبرالیستی

کشورهایی همچون هلند به عنوان مرکز نهادهای آمریکا - USAID - در این کشور با موضوع «توانمندسازی زنان» گفت: «تجربه نشان داده است سرمایه‌گذاری بر دختران می‌تواند ۵ نسل را تغییر دهد اما سرمایه‌گذاری بر پسران تنها می‌تواند یک نسل را تغییر دهد. در ۱۳ سال گذشته شاهد تغییرات زیادی بوده‌ایم اما باید بگوییم که مشارکت زنان کافی نبوده است.»

پرواضح است که عبارت «توانمندسازی زنان» تحت عنوان حمایت از استقلال اقتصادی زنان سرپرست خانوار و تقویت روحیه خودباوری و خودشناسی جامعه زنان، در دل هیچ عاقلی نگرانی ایجاد نمی‌کند. پس چرا آمریکا در کشوری همچون افغانستان که ملت آن حتی از آب آشامیدنی سالم نیز برخوردار نیستند تنها در یک دوره کوتاه ۲۰۰ میلیون دلار به صورت رسمی خرج می‌کند تا زنان افغان را «توانمند» کند؟! این پروژه‌ای است که براساس اسناد رسمی سازمان ملل پس از پایان پروژه توسعه هزاره، در قالب طرحی جدید تا سال ۲۰۲۴ در دستور کار قرار دارد و هدف ویژه آن متمرکز بر کشورهای اسلامی است. شاید باور نکنید اما آژانس توسعه ملی آمریکا، آژانس توسعه انگلیسی و وزارت خارجه آلمان و چند کشور دیگر در کنار نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل همچون یونسکو و یونیسف هم‌اکنون به صورت رسمی مدیریت اجرای طرح غربی «توانمندسازی زنان» در کشورمان را در دست دارند. USAID با واسطه بنیاد اوراسیا، دست‌کم ۳ مدرسه زنانه و صدها سازمان مردم‌نهاد را از سال ۸۸ در ایران اداره می‌کند. انگلیس و اتحادیه اروپا نیز با راه‌اندازی شبکه «توانا» با استفاده از عضوگیری اینترنتی و ماهواره‌ای، آموزش‌های ویژه به زبان فارسی را با مدیریت همان استادی که پیش از این برای کمک انتخاباتی به تیم «مر» در یکی از مراکز استراتژیک نظام حاضر شده بودند، اجرایی کرده‌اند.

براساس آمارهای رسمی بیش از ۹۵۰ سازمان مردم‌نهاد و کاملاً مستقل از نظام، برنامه «توانمندسازی زنان» سازمان ملل را در ایران پیش می‌برد و به گفته مسئولان ۴۵۰ سازمان دیگر نیز در صف دریافت مجوز با همین عنوان قرار دارند! کارگاه‌های آموزشی که پیش از این با حضور عناصر وابسته به شبکه بهاییان همچون دخی فصیحیان، هادی قلمی، شیرین عبادی، هاله اسفندیاری و پری نمازی در کشور برگزار می‌شد، پس از وقوع فتنه ۸۸ به پایتخت



صفحه ۲

معاون ظریف باز هم تصویب برجام در مجلس را به صلاح ندانست

اصرار مشکوک

عراقچی: مجلس به برجام به‌عنوان یک معاهده نگاه نکند!



محسن رضایی

به همین دلیل در اسناد سازمان ملل رسماً عنوان شده در چنین جوامعی لازم است به زنان در ذیل پرسوه توانمندسازی آموزش داده شود که «شما ناتوان نیستید بلکه قربانی حاکمیت خود هستید» و به همین جهت برای احقاق حقوق نیاز دارید «حضور اجتماعی حاکمیتی» داشته باشید. پس ما چه دانسته و چه ندانسته مسیر این نفوذ را باز نگذاریم، ادامه روند فعلی به تقابل بیش از نیمی از جامعه با حاکمیت منجر خواهد شد، چرا که حقیقتاً بسیاری از اصول اجتماعی، شخصی و خانوادگی اسلامی با اصول لیبرالیسم در تضاد است.

رسمی مهمی همچون دیپارتمان بین‌المللی توسعه انگلیس، وزارت خارجه آلمان و آژانس توسعه ملی آمریکا به راحتی در مدارس بنیاد اوراسیا وابسته به وزارت خارجه آمریکا در ایران تبلیغ شد و اعضای برگزیده ایرانی به هزینه همین مراکز به هلند اعزام شدند! اکنون سوال اصلی این است که مدارس وابسته به آژانس توسعه ملی آمریکا و انگلیس چطور دوره‌های «شهروندی»، «سواد رسانه‌ای» و «کوچینگ» و «کارآفرینی اقتصادی» را برای زنان معلم، بی‌سرپرست و حتی دختران تحصیل‌کرده ایرانی برگزار می‌کنند و در ذیل آن «آموزه‌های لیبرالیستی» را به عنوان «اهداف جامعه ایرانی» در افکار اعضای جامعه جا می‌اندازند؟! آیا ایرانی‌ها اجازه دارند در کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس یا هلند و آلمان به «شبکه‌سازی اجتماعی» بپردازند و کلاس‌های «شست‌وشوی مغزی» با هدف ترویج «حکومت اسلامی» برگزار کنند و در پایان دوره، برگزیدگان را به خرج خود در ایران مهمان کنند؟! پاسخ این سوال با نهادهای امنیتی کشورمان است.

غریب‌ها «توانمندسازی زنان» را هدف اولیه در برابر دستیابی به هدف استراتژیک «برابری جنسیتی» عنوان می‌کنند. یعنی برخلاف آنچه در ایران رایج شده، انگیزه اصلی اجرای سیاست‌های توانمندسازی زنان، صرفاً «توسعه اقتصادی» یا توانگری مالی زنان نیست. در اسناد سازمان ملل از عبارت «توانمندسازی اجتماعی زنان» برای توصیف این سیاست تحت عنوان تلاش برای تحول در منابع و روابط قدرت برای «فوق بر جامعه» استفاده شده است. در حقیقت در ادبیات نولیبرالیسم، به جای تمسک به عبارات منفی و ضدخانواده‌های همچون «فمینیسم» یا «سابقه تاریخی رادیکال» از عبارات جدیدی با همان پیش‌زمینه برای «فتح جوامع جدید» استفاده می‌شود. براساس تفسیر غربی «حقوق زنان»، آموزه‌های اسلامی که «کیان خانواده» را بر منیت و محوریت «زن» یا «مرد» برتر برمی‌شمارد، «ضدحقوق بشری» و «ناسازگار با دموکراسی» ارزیابی می‌شود.



رهبر حکیم انقلاب در دیدار اخیرشان با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری(۱) مسائل مهمی را در رابطه با برجام(۲) مطرح فرمودند. در این میان توجه ویژه ایشان به موضوع لزوم نظارت مجلس بر برجام با توجه به اختلاف‌نظرهای گوناگون مطرح شده در روزهای پس از توافق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. معظم‌له در این رابطه فرمودند:

«... یک بحثی که امروز وجود دارد بحث مجلس است؛ ... به نظر ما مصلحت نیست ما مجلس را از این قضیه برکنار بداریم؛ چون قضیه‌ای است که بالاخره ۲ سال است کشور به‌طور کلی متوجه به آن است و حالا هم به یک نتایجی رسیده؛ پس باید مجلس وارد بشود. حالا مجلس چه بکند؟ بنده هیچ توصیه‌ای ندارم به مجلس شورای اسلامی که با این چه جوری عمل بکند.»

همان‌گونه که پیداست، ۲ موضوع «مصلحت نبودن کنار گذاردن مجلس در موضوعی که ۲ سال است کشور با آن درگیر است» و نیز «عدم موضع‌گیری صریح در رابطه با نحوه نظارت مجلس» محورهای اساسی بیانات ایشان را تشکیل داده است. ناگفته پیداست این ۲ موضوع از یکسو به اهمیت و لزوم نقش‌آفرینی اصلی‌ترین نهاد قانونگذاری کشور در امور مهم کشور و از سوی دیگر بر استقلال قوای مجریه و مقننه از یکدیگر توجه دارد. ۲ موضوعی که هر دو در اصل تفکیک قوای مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به شکل صریح مورد توجه قانونگذاران اساسی قرار گرفته است. سخنی به اغراق نیست اگر اصل «تفکیک قوا»(۳) را یکی از اساسی‌ترین یا حتی بنیادی‌ترین اصولی که در علم سیاست مورد توجه و تدقیق اندیشمندان سیاسی است، بپذیریم، بدانیم این اصل بر لزوم توزیع قدرت حکومت بین ۳ قوه مقننه، مجریه و قضائیه، تأکید دارد. اگرچه بسیاری «منتسکوی»(۴) اندیشمندان شهیر انقلاب فرانسه (۱۷۹۹-۱۷۸۹) را ابداع‌کننده این اصل برشمرده‌اند لکن بنا به شواهد و قرائن مهم سابقه این اصل به دوران باستان بازمی‌گردد.(۵) برپرواضح این اصل به فلسفه ظهور این اصل پیش از هر چیز ناظر بر کنترل قدرت توسط قدرت بوده است. منتسکیو در کتاب معروف خود با عنوان «روح‌القوانین»(۶) پس از بیان این امر که جمع شدن قدرت تقنینی، اجرایی و قضایی در اختیار یک فرد یا یک دستگاه خاص ممکن است به خودکامگی بینجامد، تأکید می‌کند: «پس برای آنکه نتوان از قدرت سوءاستفاده کرد، باید دستگاه‌های دولتی طوری تنظیم شوند که قدرت، قدرت را متوقف کند.»

ضرورت کنترل قدرت قوه مجریه توسط دیگر قوای دولتی از جمله قوای مقننه و قضائیه تا آنجا بود که در اعلامیه حقوق بشر و شهروندان مصوب سال ۱۷۸۹ تأکید شد: «هر جامعه‌ای که در آن حقوق افراد تضمین نشود و تفکیک قوا برقرار نشده باشد، دارای قانون اساسی نیست». نتیجه این روند کنجاندن اصل تفکیک قوا در قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران بوده است. البته باید توجه داشت قوانین اساسی از حیث اینکه تفکیک قوا در آنها به صورت مطلق یا نسبی باشد، قابل تقسیم هستند. توضیح آنکه در تفکیک مطلق قوا که در نظام‌های سیاسی ریاستی نمود دارد، وظایف هر کدام از دستگاه‌ها تخصصی است و هیچ کدام از قوا، قدرت دخالت در کار دیگری را ندارد. در این نوع از تفکیک قوا به شکلی که در نظام‌های ریاستی‌ای چون ایالات متحده قابل مشاهده است، هیچ کدام از قوه‌های مجریه یا مقننه نمی‌توانند یکدیگر را منحل کنند. با این حال در تفکیک نسبی قوا، قوای مختلف حکومتی با یکدیگر رابطه و همکاری داشته و در برخی شرایط پارلمان و قوه مجریه اختیارات لازم برای عزل یکدیگر را نیز دارند. حکومت انگلستان نمود بارزی از تفکیک قوای نسبی است.

با تدقیق در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درخواهیم یافت نظام سیاسی ایران نه ریاستی و نه پارلمانی است بلکه بنا به تعبیر غالب حقوقدانان «همه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی» است. در این نوع نظام‌های سیاسی نیز مانند نظام‌های پارلمانی تفکیک قوا نسبی است.

ادامه در صفحه ۵